

پیشنهاداتی برای آسانی نوشتن در فارسی

ایرانیان امروز وارث ادبیاتی هستند که بی شک اگر قدیمی ترین نثر و نظم مفهوم جهانی نباشد از مهمترین ادبیات موجود محسوب میگردد .

ادبیات کهنسال فارسی نماینده‌ای است دلپذیر از تمدنهاییکه اقوام ایرانی در طی قرنهای مختلف بخود دیده‌اند . از این نظر تقریباً چیزی نیست که در این مجموعه عظیم و بدیع پدید نیامده باشد و شاید عنوانی از فکر بشری موجود نیست که در قالب نظم و نثر پارسی چیده نشده باشد . بالنتیجه تنوع و کیفیت این سرمایه بزرگ ملی با شیرینی و کمیت آن برابری میکند .

ایرانیان بیشتر از ۱۲ قرن است که بطور مداوم و کامل از الفبای امروزی برای نثر افکار خود استفاده مینمایند و از قرار معلوم با بکار بردن این الفباء قدرت تحریر بیشتر گردید و ضمناً خود را با دنیای سیاسی روز بیشتر وفق دادند درحالیکه موجودیت ایشان و اصالت فکرشان دست نخورده باقی ماند .

خط امروزی ما تنها یادگار اعراب در ادبیات فارسی نیست و لغات بیشماری جانشین کلمات موجود در آثرمان گشته و یا مستقیماً بعلت نبودن کلمه مناسب از عربی اقتباس گردیده است . در طی زمان بسیاری از این لغات یا اصلاً فارسی شده‌اند و یا در مواردی بکار میروند که عرب استعمال نمیکند و یا تلفظ آنها کاملاً متفاوت است و بگوش عرب آشنا نیست . البته برخی از این کلمات بصورت اصلی خود باقی مانده و اکنون جزو کلمات مشترك دو فرهنگ فارسی و عربی بشمار میروند .

این مقدمه باین سبب آمد تا گفته شود که اهمیت و ارزش فوق العاده گنجینه ادبیات فارسی بر کسی پوشیده نیست معهذادیرزمانی است که فکر تغییر الفبای امروزی ایجاد گشته است و برسر زبانهاست و در سالهای اخیر بسیار مورد بحث علاقمندان بوده است .

شاید واقعاً تغییر الفبای فارسی و خصوصاً تغییر آن بسبب لاتین صلاح نباشد اما امکان آسان نمودن آن موجود است و اینکار انجام پذیر است .

خارج از همه گونه تعصبات چه از نظر تصفیه زبان و چه از نظر وفاداری به ادبیات منظوم و منثور گذشته و بدون وارد آوردن صدمه‌ای باین گنجینه بزرگ می توانیم تغییرات مناسبی در املاى زبان خویش بوجود آوریم تا نوشتن در فارسی مانند گفتن و فهمیدن آسان و ساده گردد .

به این منظور از سال قبل بررسی نسبتاً عمیقی در اینمورد در دانشگاه اصفهان در گروه آموزشی زبان و ادبیات ایرانی صورت گرفت و قرار شد تا حدود امکانات بدون غلو و تعصبات خاص، اما هوشمندانه ، روی این موضوع مطالعه نمایند و ببینند اگر برای يك صوت که وسیله چند حرف مختلف مشخص میشود یکی از آنها را که بیشتر مطلوب است و بکار میرود انتخاب نمایند چه حوادثی میتواند رخ دهد . چون در حقیقت اگر ما ادبیاتی کهنسال و نماینده ماهیت و شخصیت خود داریم ، بر ماست که در حفظ این میراث بزرگ بکوشیم اما این سؤال پیش میآید که آیا این ادبیات واقعاً در دسترس همگان است؟ اگر عده بسیار معدودی در اجتماع ایرانی از آن استفاده و لذت میبرند میلیونها ایرانی دیگر احتیاجاتشان از يك ترکیب و جمله بندی ساده تجاوز نخواهد کرد و بطور یقین در آینده‌ای بسیار دور نیز نسبت رقمی این دو گروه بهمین منوال باقی خواهد ماند .

بطور خلاصه ما بایستی بیشتر بفکر نوآموزان خود باشیم تا همچنانکه گفته

شد ضمن احترام به ادبیات ایرانی وبدون تغییرالقباء، نوشتن رادرفارسی آسان کنیم .
 اکنون بعنوان نمونه مطالعه ایکه درموارد دوصوت «ت» و«ط»، و«ه» و
 «ح» انجام یافته است مورد بحث قرار میگیرد :

مجموعه کلمات عربی که درفارسی وارد شده ودرآنها حرف «ط» وجود دارد
 چنانچه دریک فرهنگ مورد استفاده عموم چون فرهنگمعین آمده است ۷۰۸ کلمه
 ومجموعه کلماتی که درآنها حرف «ح» وجود دارد ۱۰۲۶ کلمه شمارش میشود . اگر
 همه کلمات دسته اول را با حرف «ت» بنویسیم تنها در بیست وهشت مورد تشابه لفظی
 بوجود می آید که بیشتراین کلمات هم نامصطلح است وآنها عبارتند از :

اطباع - اطلال - بط - بطر - خطا - طابع - طب - طبع - طراز - طرب -
 طرید - طلاوت - طنین - طور - طوطی - ظهور - طیره - طین - غایط - غلط - فاطر
 فاطن - فطرت - فظن - فطور - مسطور و مسطوره - مطبوع - مناط - منطقی .

واگرهمه کلمات دسته دوم را با حرف «ه» بنویسیم در هشتاد و پنج مورد تشابه
 لفظی بوجود می آید که دراین قسمت هم بیشتر کلمات نامصطلح است وآنها عبارتنداز:

احرام - احوال - بحار - بحر - بحران - بحرانی - بحری - تحدی
 تحدید - تحویل - تحیه - ترحیب - تنقیح - جحد - حجر - جحد - جحد - حائل - حار
 حازم - حال - جبل - حبوب - جحر - حجران - حجی - حر - حراث - حراس
 حراست - حرز - حرس - حرم - حروب - حریره - حزار - حزم - حل - حلال - حلیله
 حلیم - حمال - حمام - حمدان - حمر - حواء - حور - حول - حیز - حین - راجح
 راج - راحت - راحم - رحم - ساحره - سحر - شح - شح - شحیم - صبیح - صلاح
 طرح - فرح - قمح - کحل - لاحول - ماحی - محب - مجبل - معراب - محل -
 محلی - محموم - مدح - مدحت - مراحم - ناحی - ناحیه - نحر - نحل - نواحی -

بطوریکه ملاحظه می شود اغلب این کلمات نامصطلح است و اگر همه حرفهای «ح» را تبدیل به «ه» کنیم زیبایی اساسی وارد زبان فارسی نخواهد شد. البته باید قبل از طرح اشکالات و پاسخ به آنها، گفته شود، این کار ما تنها یک طرح و پیشنهاد است نه آنکه اجرای آن، یعنی اینکه اگر دانشمندان زبانشناس و ادیب و بالاتر از همه دانشمندان علوم تربیتی نوآموزان این طرح را تصویب کنند، می توان آنرا به اجراء آورد. و این چیزی است که قبلاً باید در ذهن خوانندگان گرامی جایگزین شود تا سوء تفاهمی حاصل نگردد و اصل فکر و راه عمل این پیشنهاد مورد مطالعه ایشان قرار گیرد.

اما اشکالاتی که در این مورد غالباً بنظر میرسد عبارتست از :

۱- کلمات بسیاری پدیدمی آیند که در نوشتن یکسانند و در معنی مختلف

این ایراد را می توان ناچیز قلمداد کرد، زیرا، کلمه «شیر» هم همین گونه است. (ناگفته نماند که تلفظ قدیم شیر هم امروز دیگر ملاک عمل نیست زیرا ما دیگر «شیر» را با باء مجهول تلفظ نمی کنیم و از تلفظ یکی دو ناحیه کوچک جغرافیائی هم باید چشم پوشید، همانگونه که از بسیاری از تلفظهای محلی چشم پوشی می شود) ولی تا کنون کسی شیر خوردنی را با شیر بیشه و شیر آب اشتباه نکرده است.

اگر ما «غلط» را با «د» یعنی «غلت» بنویسیم و در جمله بکار بریم، کسی آن را با «د» غلت» ریشه غلتیدن اشتباه نخواهد کرد، زیرا می گوئیم یا می نویسیم که «این جمله غلت است» و با «د» غلت» ریشه غلتیدن مسلماً اشتباه نخواهد شد.

۲- اغلب جناسها در شعر و نثر فارسی از میان می رود.

این اشکال از اشکال ناهبرده در بالا ناچیزتر است. زیرا نباید نفع و پیشرفت ملتی را به این خاطر پایمال کنیم که مثلاً لطف و معنی «ای هدهد صبا به سبا می فرستمت» ازین می رود. از میان بردن دهها جناس در مقابل به هدر رفتن نیروی انسانی و فکری

يك ملت كار بی ارزشی نیست خصوصاً اینکه در بسیاری از جناسها معنی مکتوم نخواهد ماند .

۴ - کتابهای نوشته شده یا چاپ شده را چه باید کرد ؟

در صورت اجرای این طرح کافی است به فرزندانمان یاد بدهیم که در زمان قدیم «ت» را گاهی به صورت «ط» نیز می نوشتند ، همچنانکه اکنون می گوئیم که در قدیم «بود» را «بون» می نوشتند و «خورشید» را «خرشید» و «توفان» را «طوفان» . این کار برخلاف آنچه می گویند صرف دنیوی نیست ، بلکه فقط این مطلب را در ذهن فرزندانمان برای يك بار وارد می کنیم ، و از آنها نمی خواهیم که هر وقت جمله ای را بر آنها فروخواندیم ، به ذهن خود فشار بیاورند تا ببینند فلان کلمه به «ت» نوشته میشود یا به «ط» .

۴ - اساس اشتقاق عربی بهم می خورد و هر لغتی را باید جداگانه یاد گرفت .

مگر حالا نوآموزان چه میکنند ؟ حالا هم همین کار را می کنند . آن عربی که در مدارس به فرزندان ما یاد داده میشود نه بدرد عرب میخورد و نه بدرد عجم . اشتقاق که یاد نمیگیرد هیچ ، از زبان فارسی هم بیزار میشود . وانگهی ، اگر ما تمام مشتقات عربی را (که وارد زبان فارسی شده) حروف عربی را تغییر دهیم ، دیگر این اشکال هم ایجاد نخواهد شد . و حداکثر این است که فرزندان ما از کتب لغت زبان عربی نمی توانند استفاده کنند ، که این کار را حالا هم نمی تواند بکنند .

۵ - آنان که تا کنون با این خط بزرگ شده اند و به آن خو گرفته اند چه کنند ؟

ایشان می توانند خود را کم کم با خط جدید (یا درست تر : با خط اصلاح شده) عادت دهند . همچنانکه هنوز عده ای تهران را طهران مینویسند و هیچکدام غلط گرفته نمی شود .

۶ - قرآن مجید و کتب عربی را چگونه بخوانند ؟

نیمی از پاسخ این پرسش در پاسخ به ایراد شماره « ۳ » داده شده است . نیم دیگرش این که عربی زبان دیگری است غیر از زبان فارسی و قرآن مجید هم به همان زبان نوشته شده است . همان گونه که زبانهای خارجی دیگر را تحصیل میکنند (با خط مخصوص به همان زبانها) زبان عربی را هم با فراگیری خط آن زبان میتوان یادگرفت .

۷ - اختیار دخل و تصرف در کلمات بیگانه متصور نیست .

اصولاً باید گفت که تمام ملل دنیا اگر لغتی را از زبانی دیگر گرفتند در آنها دخل و تصرف می کنند همانطور که در فارسی نیز چنین شده است . باید اذعان نمود که ما فارسی زبانان بسیاری از کلمات بیگانه خصوصاً عربی را با تلفظی دیگر و حتی به معانی دیگر بکار می بریم و در حقیقت دخل و تصرف در آنها نموده ایم . و اگر این دخل و تصرف جدید باعث آسان نمودن سریع نوشتن در فارسی گردد بنظر ما بزرگش می آرد .

ناگفته نماند که این دخل و تصرف يك نوع چشم پوشی ، بشمار میرود همانطوریکه امروز اطاق ، طوفان ، طهران ، طپیدن و طالار را با « ت » میتوان نوشت و غلط وزننده نیست .

۸ - امکان تداخل معانی زیاد میشود .

شخصیت زبان فارسی نوعی است که این مناسبت در آن بخوبی حل شده و یا آسان گردیده است و از این جهت نگرانی وجود ندارد .

۹ - يك مرجع قانونی مانند فرهنگستان بایستی به این مسائل بپردازد .

این نظری صحیح است و در حقیقت کاری که ما انجام داده و می دهیم عبارتست يك بررسی علمی جهت روشن نمودن وضعیت موجود و چنانچه این پیشنهادها مورد مذاقه ادبا و همچنین متخصصین علم تعلیم و تربیت نوآموزان قرار گیرد و تصویب شود، میتوان

آنرا برای بهیشت اجتماع به موقع اجرا درآورد .

۱۰ - اصولاً خوبست الفبای فعلی منسوخ گردد و الفبای دیگری چون الفبای ارگانیك جایگزین آن شود .

دراین مورد بایستی تعمق بسیاری کرد و مطالب مختلفی را برای آیندگان و و فارسی نویسان فعلی در نظر گرفت . شاید انجام چنین طرحی ۲۰ یا ۳۰ سال پیش آسان میبود اما اکنون دشواریهای زیادی را بوجود خواهد آورد . ❁

